

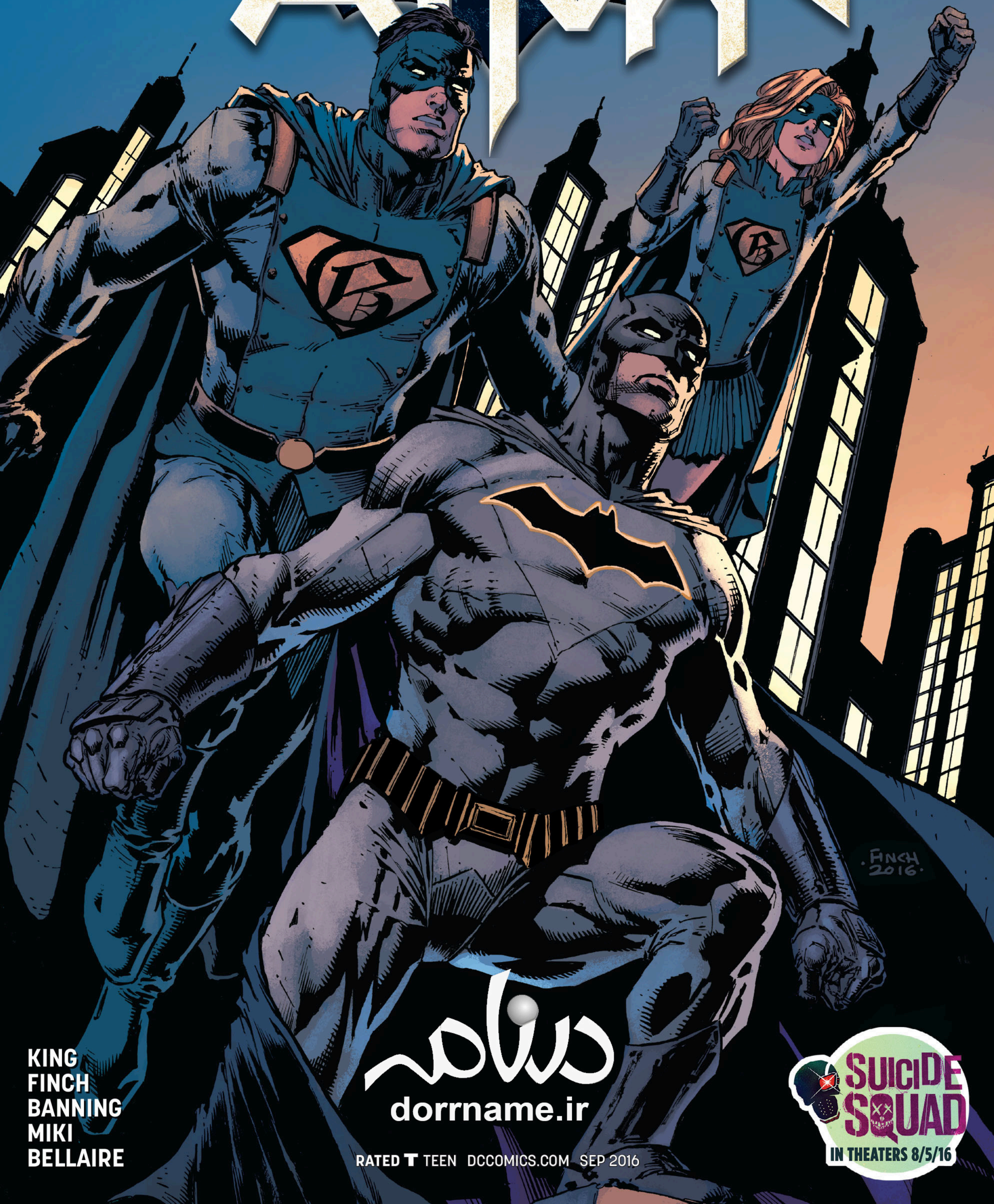


DC UNIVERSE

REBIRTH

2

BATMAN



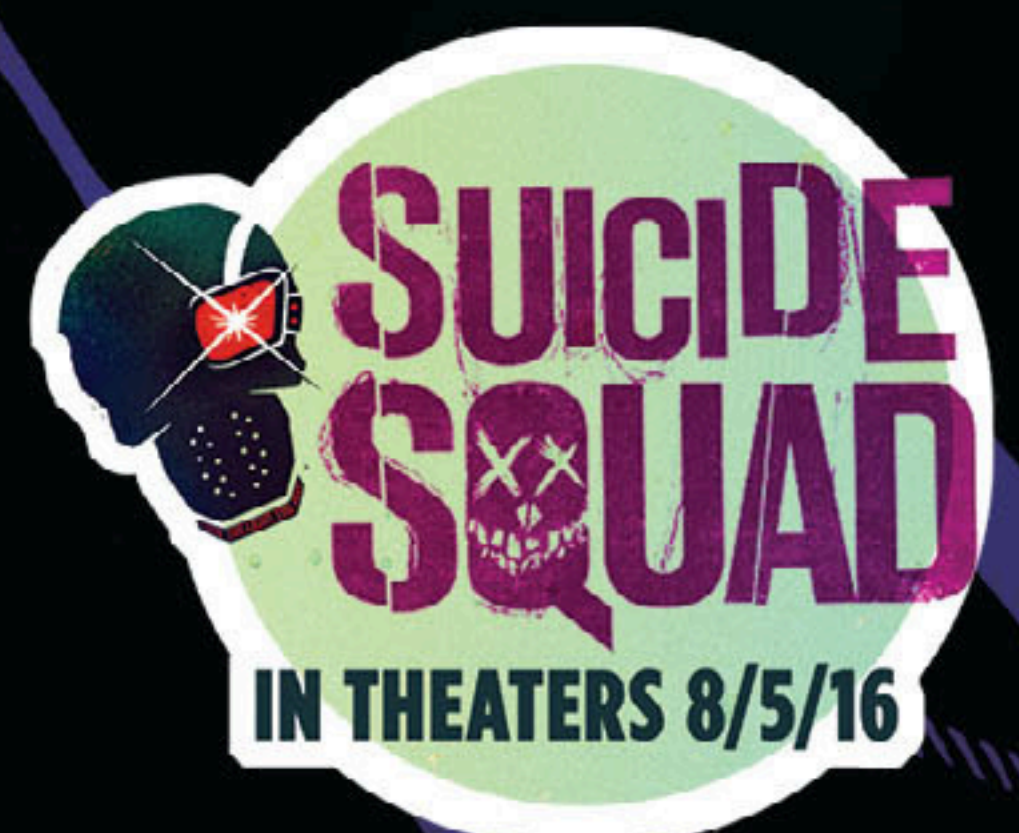
FINCH 2016

KING
FINCH
BANNING
MIKI
BELLAIRE

دورنام

dorname.ir

RATED T TEEN DCCOMICS.COM SEP 2016



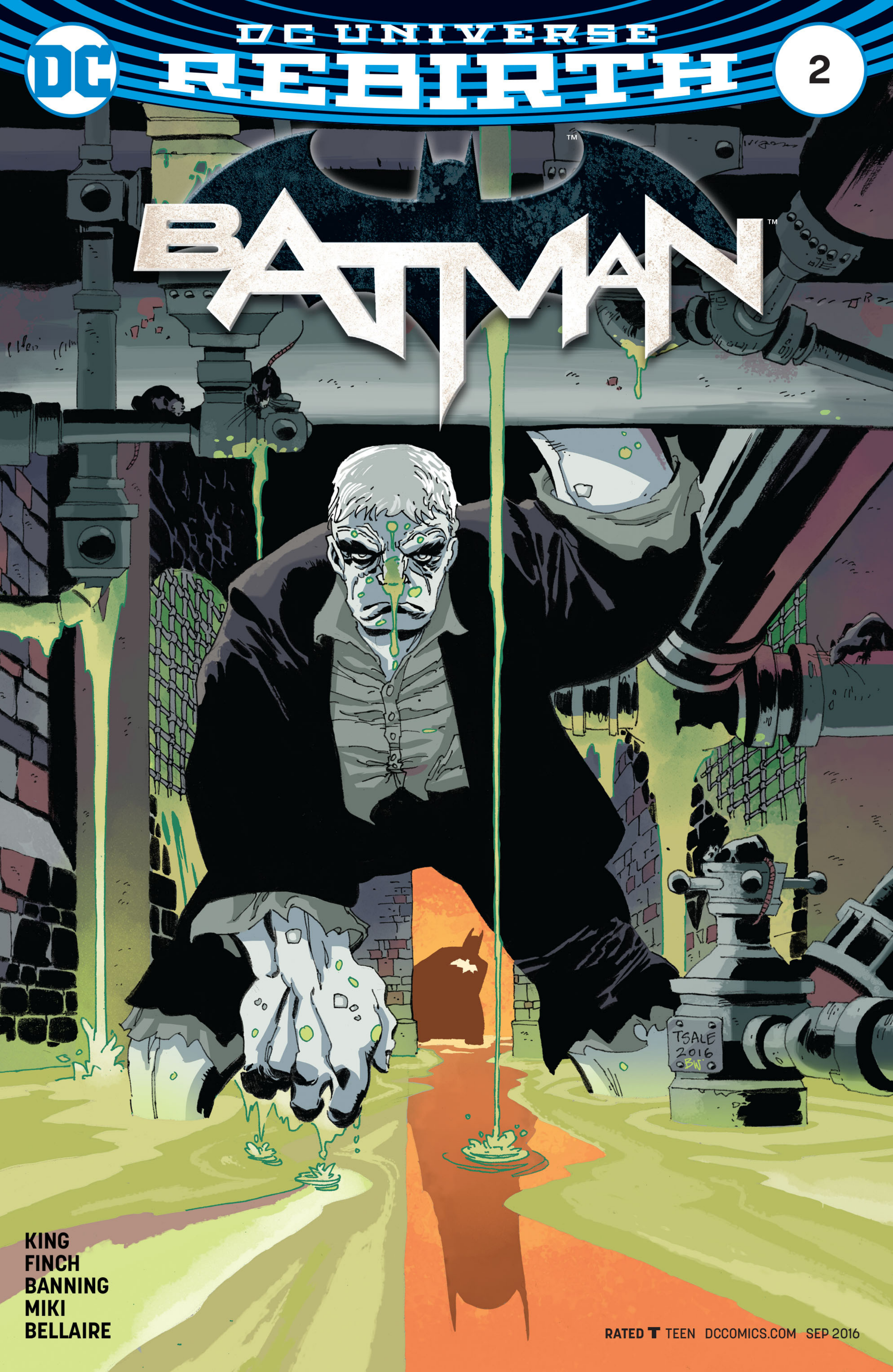


DC UNIVERSE

REBIRTH

2

BATMAN



KING
FINCH
BANNING
MIKI
BELLAIRE

RATED T TEEN DCCOMICS.COM SEP 2016

گاتهام سیتی

مجسمه عدالت.



سلامون
گراندی!



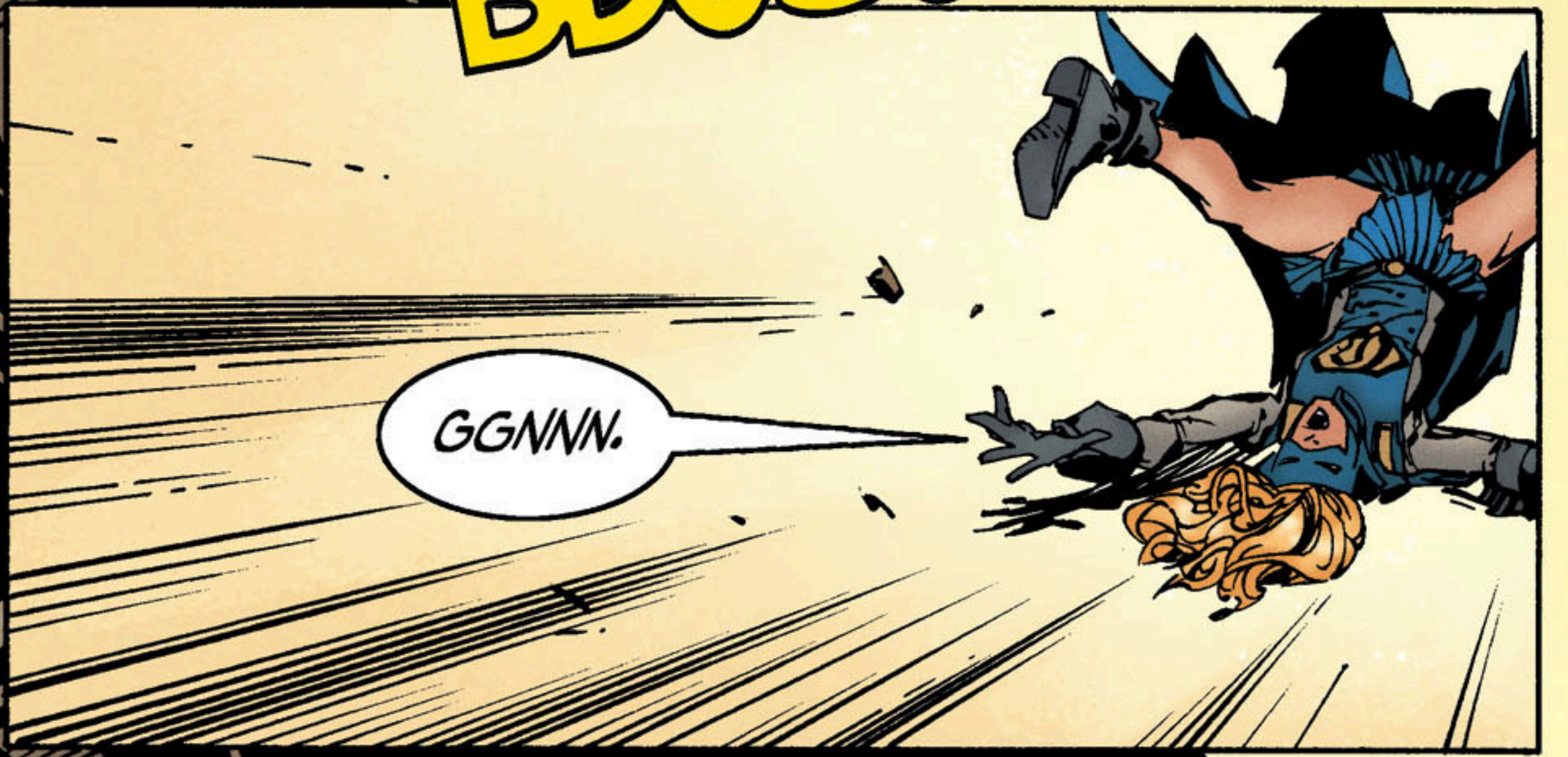
متولد یکی
از دوشنبه ها!



NNG!



BDUUCCH



GGNN.



سه شنبه غسل
تعمیر داده شدم!



چهارشنبه
ازدواج کردم!



خفه شو!



پنج شنبه
مريض شدم!



SCRRRRBG



گاتهام گرل!



مواظبم
گاتهام!

حواست به
گروندی باشه!

درنام
derrname.ir





و این
پایان سلامون
گراندی بود.

DC COMICS PRESENTS

من گاتهام هستم

قسمت دوم

TOM KING
WRITER
DAVID FINCH
PENCILS
MATT BANNING
AND DANNY MIKI
INKS
JORDIE BELLAIRE
COLORS
JOHN WORKMAN
LETTERS
FINCH AND
BELLAIRE
COVER
TIM SALE
VARIANT COVER
REBECCA
TAYLOR
ASSOCIATE EDITOR
MARK DOYLE
EDITOR
BATMAN
CREATED BY
BOB KANE
WITH BILL FINGER



CCRASSH

و یادت باشه، اگه بلند شی...

...بیشتر اذیت می شی.

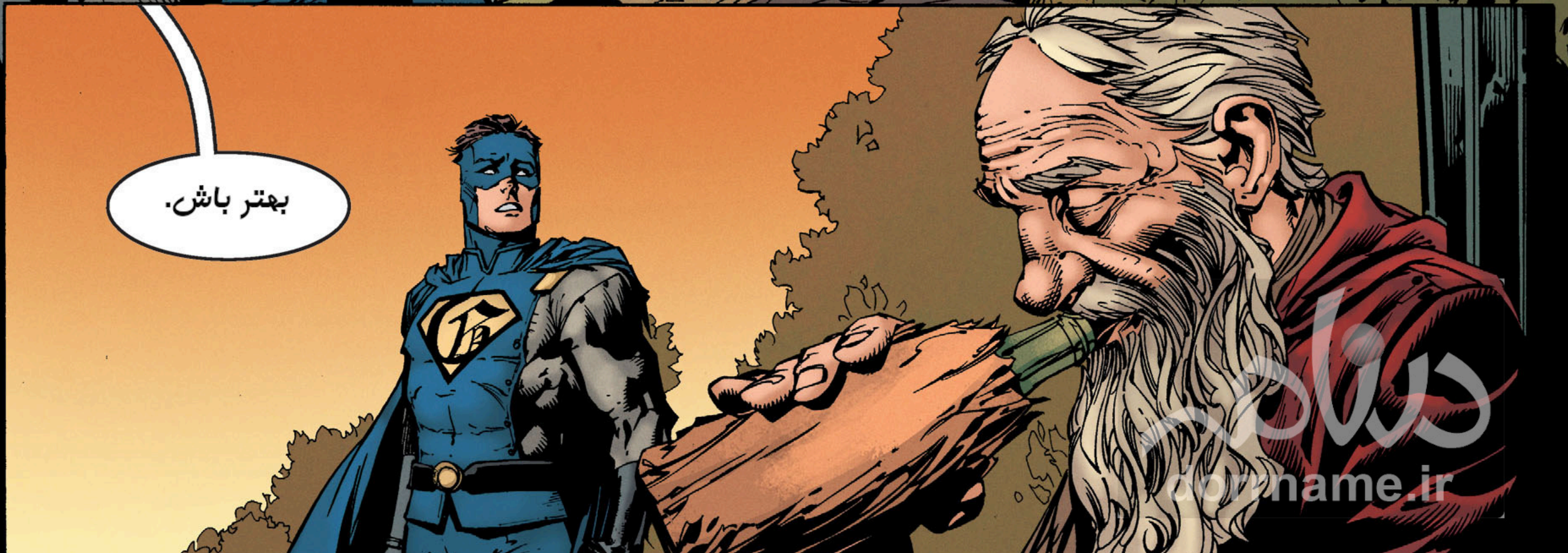


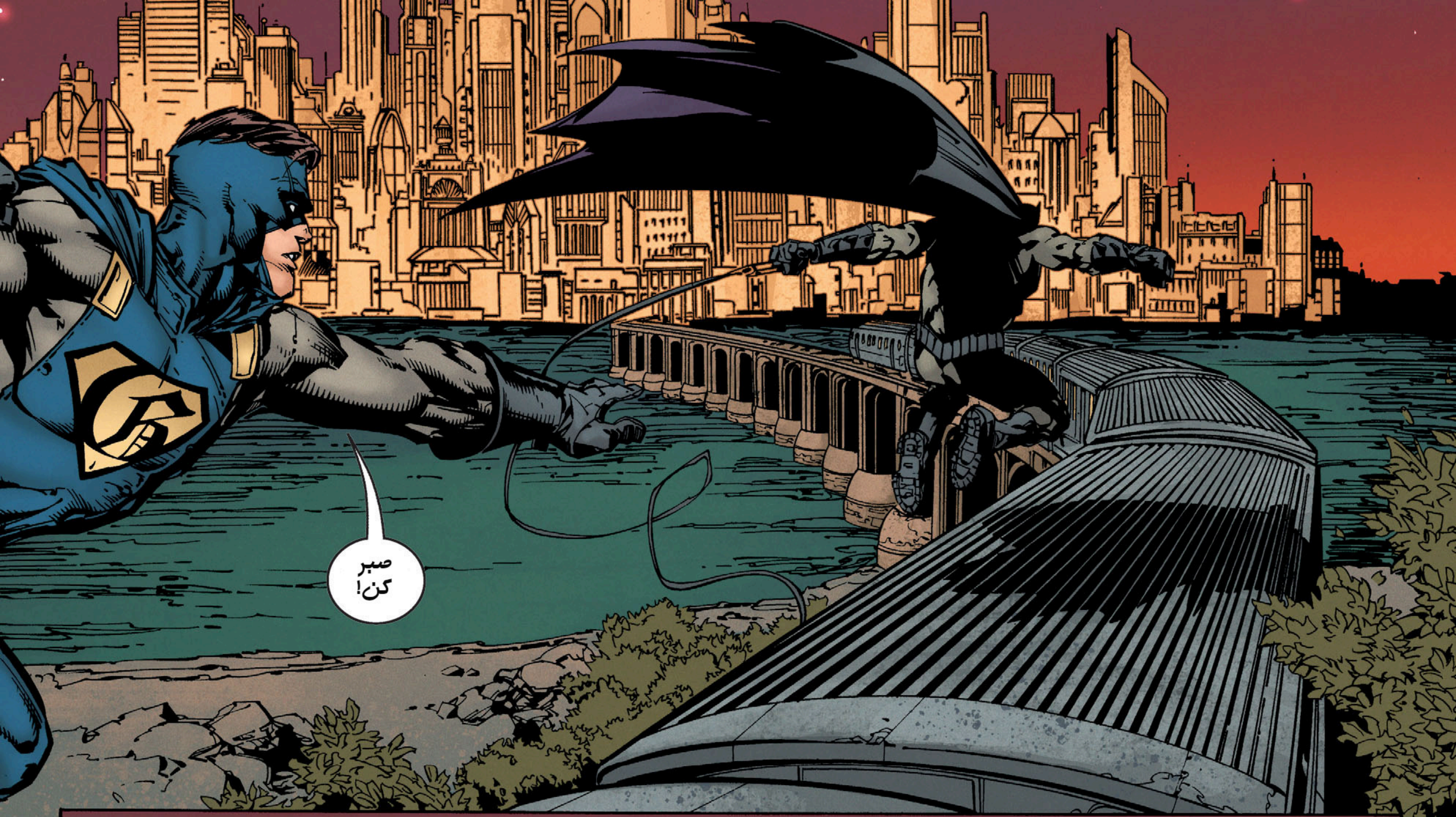
سال... سال... امون...



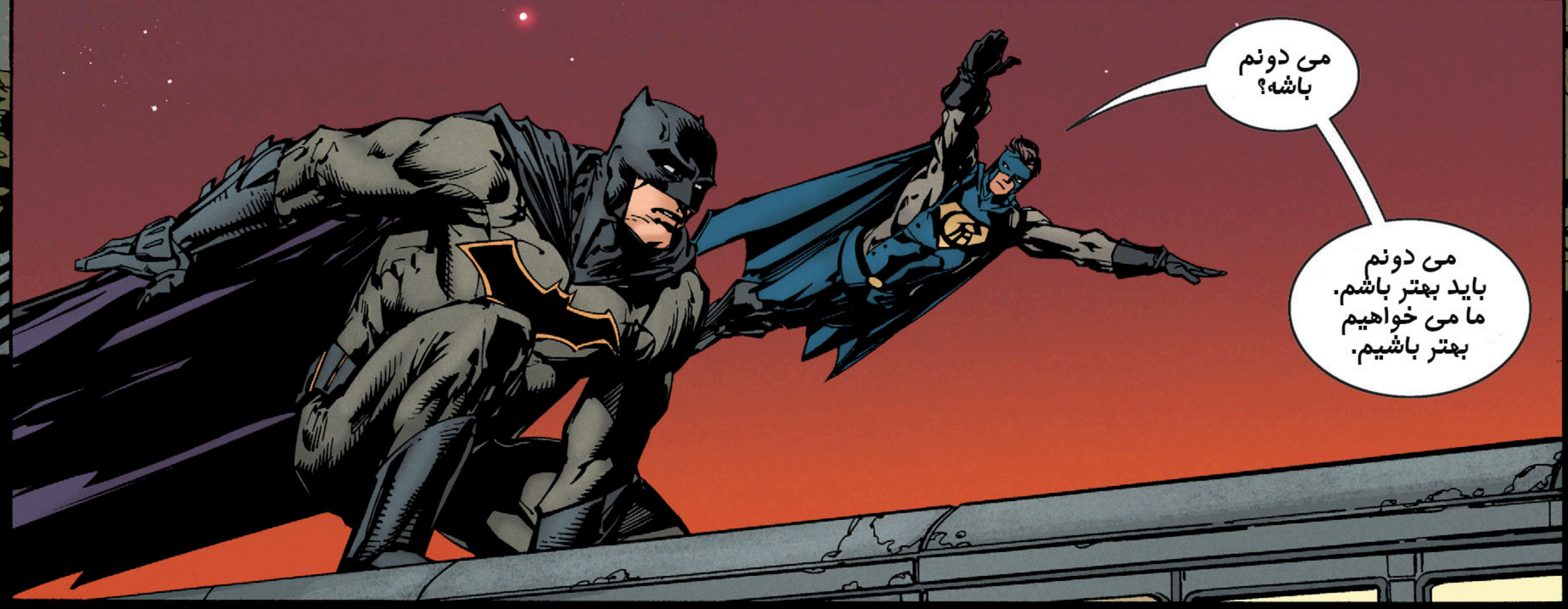
حسش کن گراندی.

حس کن چقدر درد داره.





صبر کن!



می دونم باشه؟

می دونم باید بهتر باشم. ما می خواهیم بهتر باشیم.



ما اینجا نیستیم تا تو رو به چالش بکشیم یا چیز دیگه. ما می خواهیم به این شهر کمک کنیم.

شهر من. شهر ما.



تو... تو بتمنی. تو سالهاست که این جنگ رو ادامه دادی.

ولی ما هم هستیم و... اگه کارمون رو غلط انجام می دیم...

...راه درست جنگیدن رو به ما نشون بده.

من مرده بودم.

من از انتخاب ها خبر داشتم.

می دونستم که انتخابی وجود نداره.

قراره افراد دیگه ای هم باشند آلفرد. هواپیماهای دیگه شهب سنگ، بیگانه های فضایی.

نمی تونم جلوشونو بگیرم. آخرش می میرم. بعدش دیکه جای منو می گیره.

نمی تونم...

کاری از دستم برنمیاد.

بعد اون هم می میره.

خیلی جالب به نظر میاد آقای بروس.



یک ساعته
منتظر ورود
شما هستند.

ولی این موضوعات
این واقعیت رو عوض نمی کنه
که ۲۵۰ مهمون برای جشن
بیمارستان بچه ها تو اتاق
موريسون جمع شدند.



آلفرد،
هواپیما.
گراندی.

دو سوپرمن
جدید.



بله.
گاتهام سیتی
همیشه تو آشوب
فروتر می ره.

این
شوکه کننده
است.



ولی
هنوز ۲۵۰ تا
مهمون هستند
که یک ساعته
منتظرند.



باشه.
ولی
زیاد
نمی مونم.

یه شوک
دیگه قربان.

قلبم
چطور دوام
میاره، من
نمی دونم.



دختر تون...

بهش بگو تا یه ساعت دیگه میام. شایدم دو ساعت.

یکه یا دو؟

یه ساعت. یه ساعت و نیم.

می گم دو.

حداکثر سه.



آقای و آقایی که از بانک اومده. هنوز اینجاست.

مدتی منتظره. دیر داره می شه. می گم بیاد تو.

باشه. باشه.



می بخشید کمیسر. خیلی متأسفم که مزاحمتون شدم.

نه، نه، خواهش می کنم بنشینید.

مطمئنم اگه جی اس بی تو این ساعت یه نفرو می فرسته، حتما اتفاقی افتاده.



اوه. اوه بله. می بخشید. در همین مورد.

من از طرف جی بی اس نیومدم. دروغ گفتم بتونم ببینمتون.

من اومدم اینجا تا به آزاد کردن سلامون گراندی اقرار کنم.

بله؟



بله، من
یه بمب تو
ماشین انتقال
گراندی به آرکام
جاسازی کردم.

وقتی آزاد
شد بردمش کنار
مجسمه عدالت و
گفتم خرابش
کنه.

یواش تر
رفیق.

اسمت
چییه؟

بله.
درسته. اسمم
باب کاستروئه.

من تو ارتش
تو بخش مہمات
کار می کردم. من
خارج از کشور خدمت
کردم.

ولی این بهانه
نمی شه یا چیز دیگه.
برای اتفاقی که
افتاد.

فقط... فقط...
من انتخابی نداشتم
مگه نه؟

ببینید...

...مردان
هیولایی
دارن میان.

مردان
هیولایی...
دارن میان.

عجیب
نیستند...؟





باید
تو این یکی
از گاتهام و گاتهام
گرن هم استفاده
کنم.

اونها
باید ببینند
که شهر با چه
چیزی
روبروئه.

شهر هم
به این نیاز
داره که اونها بدونند
با چی روبرو
هستند.



می خواهی
ببریشون پیش
گوردون؟

بیشون
اعتماد
داری؟



اونها
می توند
پرواز کنند
دوگه. دید
تقویت شده.

اونها
گوردون رو
می شناسند.



اگه
بحث اعتماد
باشه...

من...
به آلفرد هم
اعتماد ندارم.



اون برای
تولدش درخواست
شمشیر کاتانا
کرد.

من بیش
یه واگیراشی
دادم که برای سنش
مناسب تر
بود.



از اون
وقت تا
حالا برخوردش
با من
همینطوره.



نگران
نباشید.



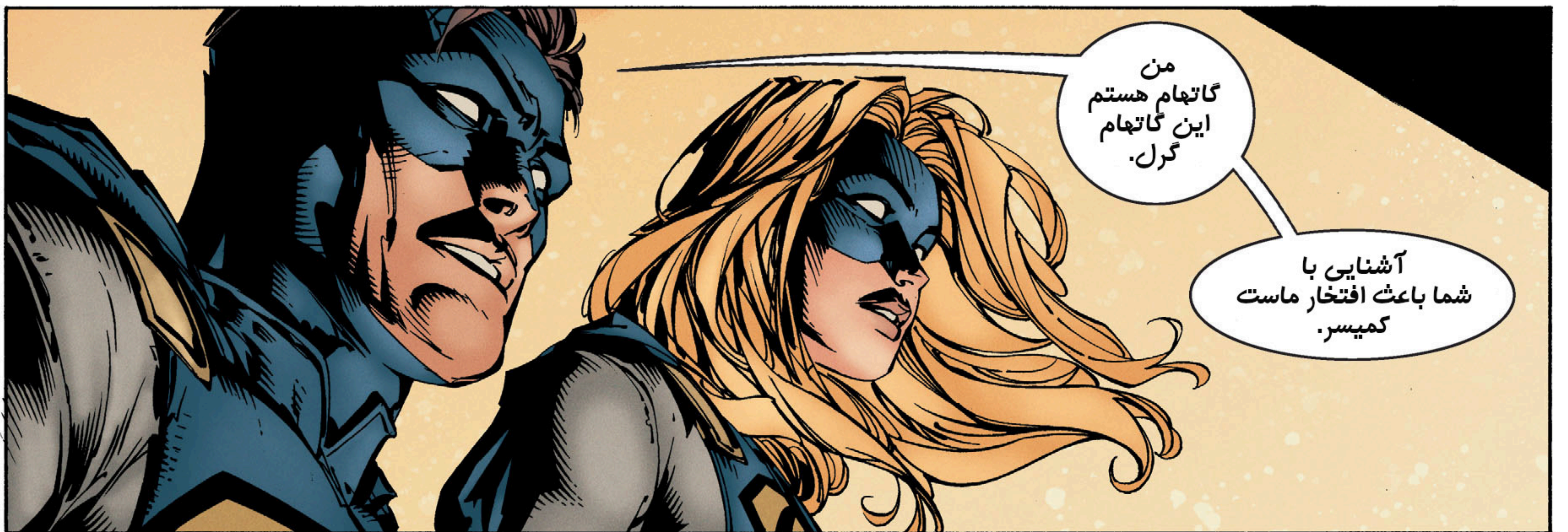
اونها با
من اند جيم.

حتماً.



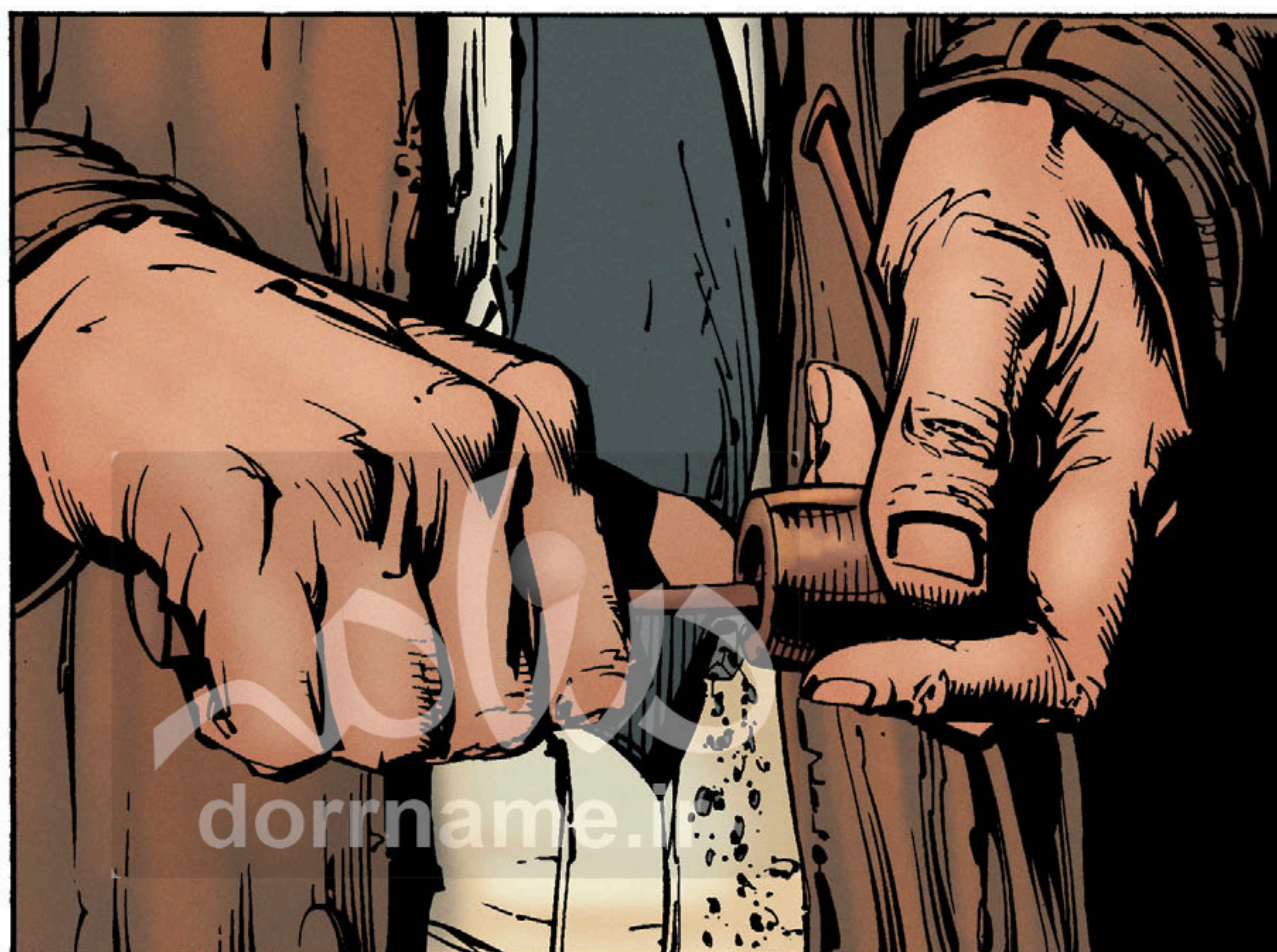
می خواهم
اینو بشنوند. اونها
هواپیما رو نجات
دادند. اونها بقیه مردم
رو نجات دادند.

می خواهم
مسئولیت
بیشتری بهشون
بدم.



من
گاتهام هستم
این گاتهام
گرن.

آشنایی با
شما باعث افتخار ماست
کمیسر.



واقعاً
جنگیدن با
جرم با
ماسک
راحت تره؟

به نظرم
باعث
خارش
می شه.



بسیار خوب،
من به شخصی رو
دارم که ادعا می کنه
با منفجر کردن ماشین
حمل گراندی رو
آزاد کرده.

تو دفتر
خودم اقرار کرد.



قبل از
اینکه گلوی
خودشو برید
و خونش ریخت
روی برگه های
اضافه کاریم.



افرادی که از موشک ها علیه
هواپیما استفاده کردند...

...اونها
هم تو وضعیتی
پیدا شدند که
خودشونو
کشته بودند.

یه حمله
انتحاری دیگه؟ یه
حمله کبری دیگه؟



آره،
نمی دونم.

این
یه چیز
دیگه است. این
تنها چیزیه که
الان می تونم
بگم.

همه اش راجع به
اومدن انسان های
هیولایی حرف می زد.



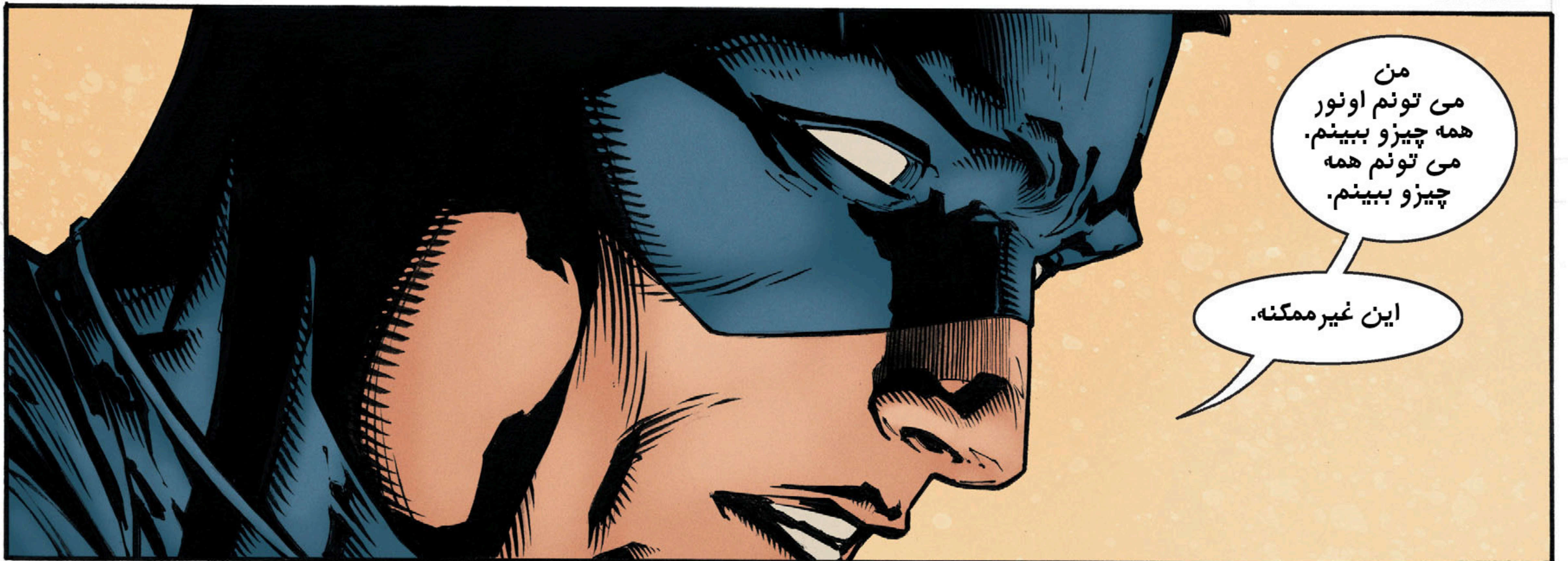
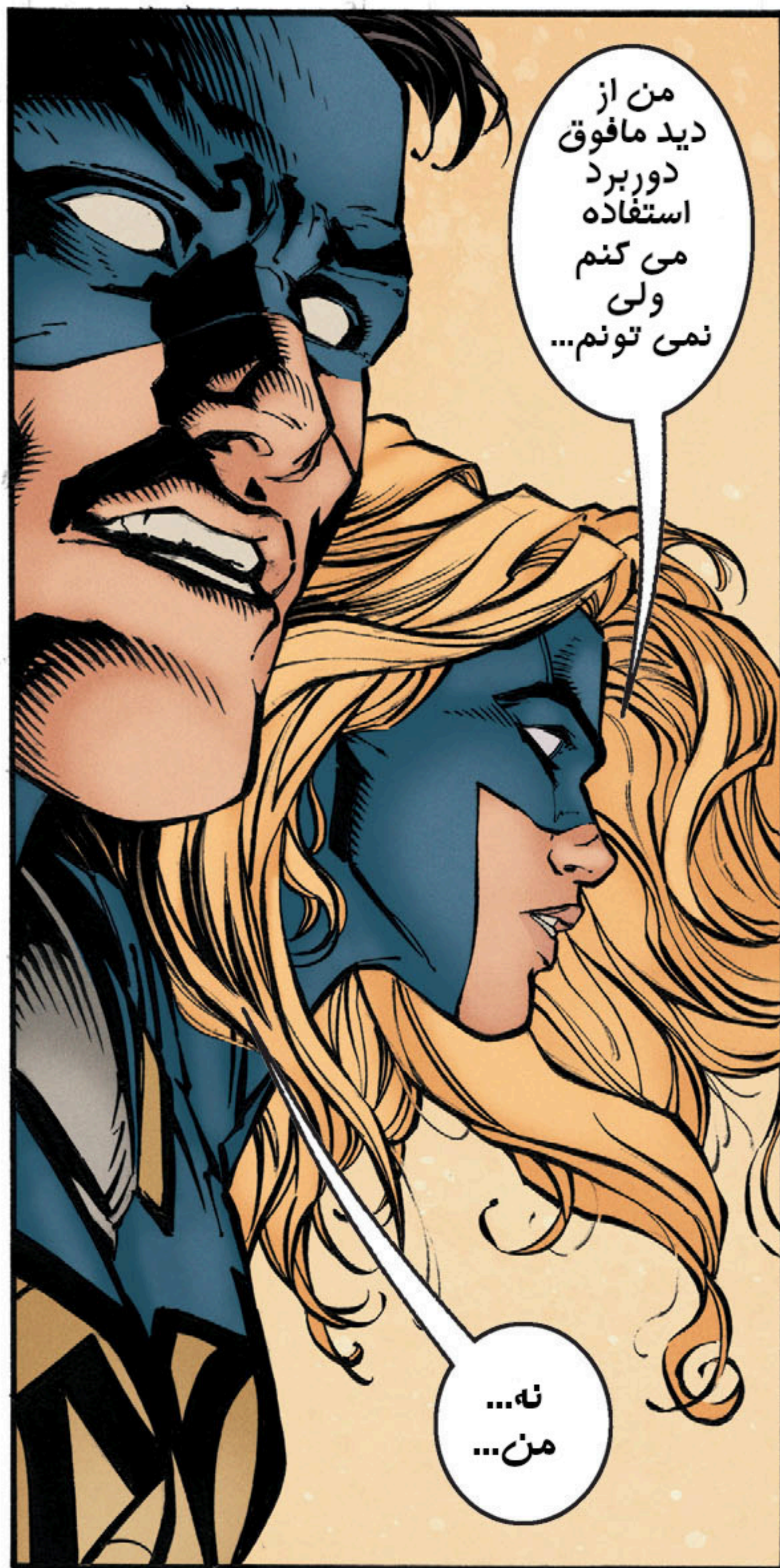
شما
دو تا
چطور؟

اخیراً متوجه چیزی شدید
که وارد شهر شده باشه و
بشه بهش گفت هیولا؟



نه.







ترسیدی؟

بله
پروفسور. خیلی
ترسیدم.



تو شادی؟

بله،
پروفسور. خیلی
شادم.



غمگینی؟

بله
پروفسور. خیلی
غمگینم.



عصبانی
هستی؟

بله
پروفسور. خیلی
عصبانی ام.



خوبه.
خیلی
خوبه.

هر روز
داری
بهتر
می شی.

ممنونم
پروفسور استرنج.

خواهش
می کنم. بعد
از این همه
وقت...

بچم...
بگو هوگو.



تبریک می گم خانم
والر.

شما
بالاخره
کاتام سینتی
رو نجات
دادید.

یکی باید
این کارو می کرد.

ادامه داردا!